

تاریخ ادبیات فارسی

مروری بر سوابق و نظری درباره آینده این فن

تا امروز یگانه اثری که تا سر حد امکان به هدف غائی تدوین تاریخ کامل و جامع ادبیات فارسی نزدیک شده است کتاب بیمانند تاریخ ادبیات در ایران شاهکار استاد دکتر ذبیح الله صفاست که تا امروز یک تنه بار این امانت سنگین را بردوش کشیده و قریب به پنجاه سال از عمر عزیز و کوشش بیدریغ و دانش بیمثال خود را در راه آن صرف فرموده است. بررسی این کتاب عظیم نیازمند مقاله ای جداگانه و بیرون از حد این گفتار است.

تاریخ ادبیات فارسی در قرون اولیه اسلام در پرده ای از ابهام نهفته است. تمام کوششهای محققان ایرانی و غیر ایرانی که نخستین جوانه های شعر فارسی در قرن سوم را با سنتهای ادبی ایران روزگار ساسانی گره بزنند تا کنون حاصلی جز چند نمونه کوتاه از قبیل هجویه یزید بن مفرغ در بصره و حراره کودکان بلخ و بیتی از ابوالنبغی عباس بن طرخان به یاد سمرقند به بار نیاورده است.^۱ ایرانیان چند سده اول کمترین توجهی به آثار ادبی قوم خویش نکردند. گروهی از دانشمندان بزرگ ایرانی در همان روزگار همت و توانایی خود را در خدمت زبان و ادبیات عربی گماشته بودند، قواعد صرف و نحو تازی را تنظیم کردند و برای آن زبان لغتنامه های بزرگ نوشتند و در گردآوری اشعار جاهلی عرب هم پیشاهنگ نسلهای آینده شدند، ولی در راه حفظ و احیای مآثر و سنتهای زبان قوم خویش گامی برنداشتند.^۲ علل و دواعی فکری و سیاسی و مذهبی که دانشمندان مزبور را به جانب این کوشش در خدمت فرهنگ و ادبیات تازی سوق می داد است بر همه روشن و موجه و بجای خود ستودنی است. آنچه کاملاً موجه نیست و پرسشی که

مردان همان نسلها پاسخی برای آن بجا نگذاشته‌اند این است که چرا عنایتی به زبان و شعر مردم خویش نکردند و گامی برای جمع آوری اقلاً نمونه‌هایی از سرودها و سخنان منظوم هموطنان خویش برنداشتند. این وضع دو قرن اول است. در مرحله بعد هرچند ظهور خاندانهای صفاری و سامانی در قرن سیم مهر سکوت را از لبها برداشت و شعر فارسی با جلوه و جمالی بدیع ظاهر گشت و به دفتر و دیوان سپرده شد؛ باز هم کسی به ضبط تاریخ آن پرداخت و زندگینامه شاعران و حکایات مربوط به آنان را ننوشت. اشعار گویندگان هم یا جمع آوری نگشت یا طعمه حوادث قرون بعد گردید تا جایی که از اشعار نخستین شاعران فارسی زبان جز چند بیت پراکنده باقی نماند و از دست کم صد هزار بیت رودکی، که شاید گنجینه انبوهی از واژه‌های ناب از دست‌رفته فارسی و پیوندی با سنتهای کهن شعر فارسی بوده است، تنها در حدود یک هزار بیت پراکنده بیادگار ماند.^۳ باید به خاطر داشت که همین ابیات معدود شاعران از یاد رفته و چند افسانه و خبر راست و ناراست مربوط به آنان از طریق کتابهایی که هیچ یک تاریخ شعر و ادب نیست به دست ما رسیده است.

این فقر مآخذ اصیل تاریخ ادبیات ما هنگامی درست روشن می‌شود که نظری به فرهنگ ادبی تازی بیفکنیم که مآخذ آن همچون دریایی بیکران گسترده است، قصائد عصر جاهلیتش با تمام اخبار و روایات مربوط به آن محفوظ مانده، و پس از ظهور اسلام همت محققان چندین ملت و کشور مصروف جمع و تدوین آن آثار گشته است. در دوسه قرنی که در ایران زبانها بسته و قلمها شکسته بود، خیل انبوه دانشمندان خواه مصری یا مغربی یا شامی یا اندلسی یا ایرانی، به هر سرزمینی که نسبت داشته‌اند، اشعار تازی را در میان شهرها و قبیله‌ها تا حد مقدور جمع کردند، قصص و افسانه‌های شاعران را نوشتند و میان ایشان به موازنه پرداختند و کتابهای مثالب و نقائض تألیف نمودند و تألیفات عمده در فنون نقد نثر و نقد شعر و اسرار بلاغت نوشتند و آراء بدع و ژرفی عرضه داشتند که هنوز پس از هزار سال ذهن دانشمندان را به خود مشغول می‌دارد و مورد اعتنا و بحث و حلاجی بزرگان شرق و غرب است. دامنه این کوشش به تمام شقوق ادبیات گسترده شد و بالمآل از طریق این نهضت، که البته علوم دینی هم با نفوذ و وسعت بی پایان خود سائق و ممد آن بود، انبوه کتب و آثاری بی حد و حصر به وجود آمد که حجم آن احتمالاً در هیچ زبان و تمدن کهنی نظیر ندارد.

به هر حال امروز ماییم و همین مقدار اندک از منابع دست دوم و دیوانها که از روی آنها تاریخ ادبیات فارسی را می‌شناسیم. نخستین کتاب تاریخ شعرای فارسی که به

دست‌ها رسیده لباب الالباب محمد عوفی از سال ۶۱۸ / ۱۲۲۱ است.^۴ عوفی مرد سفر کرده و فاضل پرکاری بوده که علاوه بر لباب الالباب کتاب مهم جوامع الحکایات و لوامع الزوایات هم یادگار اوست. گفته‌اند که پیش از عوفی، ابوطاهر خاتونی که در خدمت گوهر خاتون بزرگه سلطان محمد بن ملک‌شاه می‌زیسته، کتابی بنام مناقب الشعراء نوشته بوده است. بنا بر ظن و تخمین علامه قزوینی کتاب مزبور تذکره شعرا نبوده، بلکه احتمالاً «عبارت بوده است از بعضی حکایات ادبی راجع به محاضرات و مشاعرات شعرا و منتخباتی از اشعار ایشان»، و به قول قزوینی «اللّه اعلم بحقیقه الامر».^۵ نیز از چهار مقاله نظامی عروضی یاد باید کرد که حدود شصت سال قبل از لباب الالباب تألیف شده است. چهار مقاله تاریخ ادبیات و تذکره شعرا نیست ولی مقاله دوم آن در «ماهیت علم شعر و صلاحیت شاعر» واجد اخبار و حکایاتی در باب گروهی از بزرگترین شاعران سده‌های آغاز از رودکی تا فردوسی است که بسیار مغتنم است.

لباب الالباب اسامی و نمونه اشعار ۲۹۹ شاعر را در بر دارد و سرمشق و تا حدی زیاد مأخذ عمده تذکره نویسان قرنهای بعد بوده است.^۶ با وجود اهمیتی که این کتاب در حفظ اسامی شاعران قدیم و نمونه‌های ابیات آنان داراست، از نقائص چشمگیر عاری نیست. ولی با وجود این، حق عوفی را در تاریخ ادبیات فارسی نمی‌توان انکار نمود و نادیده گرفت زیرا پس از چهارصد سال که از شروع شعر فارسی سپری شده بوده است، وی نخستین کسی است که به این فکر افتاده و سد سکوت را شکسته و تذکره نویسی فارسی را آغاز کرده است. اگر عوفی نبود بسیاری از همین سیصد شاعر لباب الالباب هم مانند آثارشان در گور فراموشی فرو می‌رفتند.

از زمان عوفی تا قرن دهم هجری چند کتاب در موضوع مورد بحث داریم که یکی از آنها تذکره الشعراء دولت‌شاه سمرقندی است که ۲۷۵ سال پس از لباب الالباب تألیف شده و حائز اهمیت است، و بقیه آنها عبارت است از تاریخ گزیده مستوفی قزوینی، لطائف اشرفی تألیف نظام‌الدین غریب دز هندوستان،^۷ نفحات الانس جامی، مجالس النفائس امیر علی شیر (به زبان ترکی)، روضة الصفا، و مجمل فصیح خوافی که در آنها کم و بیش اطلاعاتی درباره شاعران مذکور است، ولی نظرگاه مؤلفان آنها برخلاف عوفی تألیف تذکره شعرا و ضبط تاریخ ادبی ایران نبوده است.

در سده دهم با ظهور دولت صفوی و آمد و شد شاعران ایران به سرزمین هند و عنایت زائد الوصفی که دربار تیموری هند به شعر و شاعران فارسی زبان نشان می‌داد، و نیز به علت رواج خارق‌العاده شعر و ادب فارسی در میان مردم هند، نهضتی چشمگیر در فن

تذکره نویسی پدید آمد و شمار تذکره‌ها و شبه تذکره‌ها، یعنی کتبی که فقط طرداً للباب یادی از شاعران می‌کنند، جهشی بغتی کرد و بر طبق احصای دانشمند احمد گلچین معانی از فقط ۷ عنوان در قرن نهم به ۳۳ عنوان در قرن دهم رسید. این قوس صعودی از آن پس با گسترشی حیرت‌انگیز همچنان ادامه یافت و در سده یازدهم شماره این آثار به ۵۸، در قرن دوازدهم به ۷۲، در قرن سیزدهم به ۱۵۲، و بالاخره در قرن چهاردهم به رقم ۲۰۱ رسید. آقای گلچین معانی در تألیف گرانبهای خود، تاریخ تذکره‌های فارسی، مجموع کتابهایی را که جزو منابع تاریخ ادبی فارسی بشمار می‌روند، از آغاز تا سال ۱۳۵۰ شمسی، ۵۲۹ عنوان یاد کرده است.^۸

اما نباید پنداشت که ما واقعاً بیش از پانصد مأخذ دست اول تاریخ ادبی در اختیار داریم. چند اشاره کلی و سریع برای رفع این گمان ضروری بنظر می‌رسد:

نخست آن که قدیمترین این تذکره‌ها یعنی لباب الالباب ششصد سال پس از انقراض ساسانیان نوشته شده است و تذکره الشعراء سمرقندی که در حقیقت دومین حلقه این زنجیر است نزدیک به نهصد سال پس از آغاز فرهنگ و زبان جدید فارسی بوجود آمده است.

دوم آن که این تذکره‌ها در باره شاعران متقدم بسیار بندرت خبری معتبر و نکته‌ای تازه آورده‌اند. هر تذکره نویسی همان گفته‌های سابقان را گاهی به عین عبارات و گاهی در کسوت چند جمله متفاوت تکرار کرده است.

سوم آن که دید تذکره نویسان قرون گذشته و سبک کارشان پاسخگوی انتظارات مردم امروز از تاریخ ادبیات نیست. معلومات این تذکره‌ها حتی در معیار قدیم یعنی مثلاً در سنجش با منابع شعر عرب هم اکثراً بکلی لنگ و ابتر و گاهی متناقض یا مغسوط و بی اساس و از دید انتقادی و موشکافیهای هوشمندانه بی ثمر است.

چهارم آن که مؤلفان قدیم غالباً، اگر نه همگی، اسیر چنبر قدرتهای سیاسی و نیز در بند کوتاه نظریهای مذهبی خویش بوده‌اند و از این رو قضاوتشان درباره دست کم شاعرانی که نزدیک به مکان و زمان آنها می‌زیسته‌اند، فارغ از تأثیرات بیم یا چاپلوسی و تصویب ناروا یا تهمت و افترا نبوده است.

پنجم آن که بیشتر این تذکره‌ها در چهار صد سال گذشته در سرزمین هند نوشته شده است و از این رو با وجود آن که برای تحقیق در تاریخ فارسی سرایان شبه قاره سرشار از فوائد است در مورد شاعران ایران طبعاً ضعیف است. عکس این امر نیز درست است یعنی گاهی ایرانیانی که تذکره نوشته‌اند از آن چه در سرزمین هند می‌گذشته، و حتی از طلوع و افول شاعرانی ارزشمند در نواحی نزدیکتر نظیر افغانستان امروز و قفقاز بیخبر بوده‌اند.

با توجه به تمام این مشکلات کمی و کیفی باید همت دانشمندانی را ستود که در قرن حاضر گامهای بلندی در راه تدوین تاریخ ادبیات فارسی برداشته‌اند. پیشقدمان این جمع که نخستین کتابهای این رشته را به طرز و آیین امروزی نوشتند و راه کار علمی را به مؤلفان ایرانی، که تا زمان رضاقلی خان هدایت هنوز در مسیر تذکره نویسی قدم و قلم می‌زدند، آموختند، غیر ایرانی بودند.

صرف نظر از مقالات خاور شناسان قرن نوزدهم و معلومات سرشاری که فهرست نویسانی از قبیل چارلز ریو و هرمان اته درباره شاعران زبان فارسی و نسخه‌های آثارشان عرضه کرده بودند، گویا نخستین کتاب جامع تاریخ ادبیات فارسی تألیف دانشمند ایتالیایی ایتالوپیتزی باشد که در دو جلد در ۱۸۹۴ منتشر شده است.^۹

پس از او در اوایل قرن بیستم و تقریباً همزمان ولی بیخیر از یکدیگر سه دانشمند دیگر سه تألیف مستقل و متفاوت در تاریخ شعر و ادبیات فارسی عرضه نمودند. نخستین آنها ادوارد براون بود که جلد یکم تاریخ ادبی او در ۱۹۰۲ منتشر گشت و اتمام سه جلد دیگر تا ۱۹۲۴ به طول انجامید.^{۱۰} هرمان اته فردویم بود که کتاب خود را در یک جلد فشرده و در حقیقت بمنزله بخشی از کتاب بزرگ اساس زبان شناسی ایرانی نوشت که در ۱۹۰۴ به طبع رسید.^{۱۱} سومین کس، دانشمند هندی شبلی نعمانی بود که کتاب شعرالعجم را در پنج جلد به زبان اردو نوشت و چاپ آن میان سالهای ۱۹۰۵ تا ۱۹۱۸ انجام پذیرفت.^{۱۲}

این سه کتاب روشها و هدفهای متفاوتی دارند ولی به هر حال گویا تردیدی نیست که تاریخ ادبی براون بر آن سه کتاب دیگر ایتالیایی و آلمانی و اردو برتری آشکار دارد و تاکنون مرجع و راهنمای سه نسل از شاگردان و پویندگان راه ادبیات فارسی در مغرب زمین بوده است و تألیفات دهه‌های بعد از جمله آثار پاول هورن و برتلس و آربری و باوزانی و رپکا هیچ کدام جامعیت و جذایت کتاب براون را نداشته و جای آن را نگرفته است. در میان ایرانیان، گام اول را گویا محمد حسین خان ذکاءالملک با تألیف کتابی مختصر در فن بدیع و تاریخ ادبیات برداشته که در ۱۹۱۷ به همت فرزند نامورش محمد علی فروغی چاپ شده است.^{۱۳} تألیفات دانشمندان نسل بعد، صرف نظر از ارزش علمی آن، یا ناتمام مانده است مانند کتابهای استادان فقید عباس اقبال و بدیع الزمان فروزانفر و جلال همایی،^{۱۴} یا با وجود ارزش فوق‌العاده‌ای که داراست، تاریخ ادبیات به معنی دقیق و اصطلاحی آن محسوب نمی‌شود. نمونه چنین تألیفی سبک شناسی، شاهکار ملک الشعراء بهار است و نیز تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی از زنده یاد سعید نفیسی.^{۱۵} کتاب تاریخ ادبیات در ایران تألیف استاد ذبیح‌الله صفا ممتاز از جمیع این آثار

است و درباره آن باید در گفتار مشروح دیگری سخن گفت. پیش از ادامه گفتار باید از نهضت عظیم تحقیق و تألیف در ایران در هفتاد سال گذشته یاد کرد که در تاریخ فرهنگ ایران تنها سرفصل دوره بیداری و شکوفایی نوین ملت ماست، بلکه در حد خود یکی از پربارترین دوره‌های شعر و نویسندگی و پژوهش علمی نیز بشمار می‌رود. تأسیس دانشگاه طهران زمینه را برای رشد نهالی از مکتب علمی غرب که به دست محمد قزوینی در ایران غرس شده بود آماده و بارور ساخت و در نتیجه گروهی پژوهشگران پرکار پدید آمدند که شعور علمی را با ذوق و قریحیهٔ زیبانویسی و فارسی‌گرایی توأم کردند و از این راه تنها صدها کتاب و مقالهٔ اصیل و ارزشمند عرضه گشت بلکه نثر ادبی فارسی نیز از سبکی که در نوشته‌های همان علامه قزوینی هم سخت مغلق و نامأنوس بود، در مسیر سادگی و روانی افتاد و به زیبایی و خوش‌آهنگی زبان خیال انگیز شعر نزدیک گشت.

نظری کوتاه به آثار براون و ریپکا و باورزانی

براون

ادوارد براون کاتب خود را هنگامی نوشت که اکثر آثار ادبیات فارسی هنوز روی طبع یا اقلأ طبع انتقادی ندیده بود و او ناچار به استفاده از نسخه‌های خطی موجود در اروپا یا چاپهای سنگی کم‌بهای قرن نوزدهم بود، و برای معرفی این ادبیات وسیع می‌بایست به تحقیقات دانشمندان اروپایی و معلومات دوستان ایرانی خود تکیه نماید و به تذکره‌های قدیم توسل جوید. در آغاز این قرن کتاب جامعی که زمینه‌های سیاسی و مذهبی ادوار شعر فارسی را روشن کرده باشد وجود نداشت. براون کوشید که این کمبود را درمان کند و پیش از معرفی شاعران، اوضاع سیاسی و فکری محیط آنها را به خواننده بشناساند. نکتهٔ دیگر پیوستگی معنوی میان جریانهای فرهنگی ایران و دیگر کشورهای اسلامی در زمانهای گذشته است. براون با وقوف کامل از این پیوستگی عمیق، مباحث خود را محدود به آنچه در قلمرو زبان فارسی رخ می‌داده است نکرده، بلکه آفاق وسیع جهان اسلام را در نظر گرفته است و از شرح داد و ستدهای فرهنگی و مذهبی میان ایرانیان و دانشمندان و حکمای عرب‌زبان دریغ نورزیده است. تسلط براون بر معارف اسلامی بطور کلی و دل‌بستگی او به عقاید و فلسفه و عرفان، بسط دامنهٔ سخن را در مقالات کتاب آسان و بیان مباحث دشوار را به قلم روان او برای هر خواننده‌ای شیرین و دلکش ساخته است. تألیف براون و یژگیهایی دارد که در دیگر تواریخ ادبیات فارسی دیده نمی‌شود. از

آن جمله است نقل اخبار و افسانه‌های مربوط به شخصیت‌های تاریخ که خواندن کتاب را لذت بخش می‌کند. دیگر آن که وی از هر کتاب معروف و دیوان هر شاعر بزرگ یک یا چند نمونه نقل و ترجمه کرده و بدین ترتیب خواننده را تنها با نظریات پژوهشگران که با نمونه‌هایی از سخن فارسی نیز تا حدی آشنا ساخته است. داوری براون در باب پایگاه هر شاعر و ارزش آثار او غالباً متکی بر پسند خاطر ایرانیان است، ولی نه آن چنان که طوطی وار گفته دیگران را تکرار کرده و استقلال رأی خود را از دست داده باشد. بارزترین نمونه صراحت گفتار براون را در اظهار نظری که راجع به شاهنامه کرده است می‌توان دید. وی باقتضای ذوق و بیره خود تعلق خاطری به شاهنامه نداشت، ولی از اهمیت خارق‌العاده حماسه ملی ایران دقیقاً آگاه بود و تأثیر آن را در تاریخ ادبیات ایران و عظمت مقام جهانی فردوسی و شیفتگی ایرانیان را به او می‌شناخت و بیش از ۶۰ صفحه (در ترجمه فارسی) از کتاب خود را یکجا و در موارد گوناگون به او اختصاص داده است. با این همه، نرم و مؤدبانه بی‌میلی خود را نسبت به شعر شاهنامه ابراز داشته،^{۱۶} سپس به برشمردن «عیبهای مسلم و آشکار» شاهنامه پرداخته و به دنبال آن گفتاری آموزنده در باب هنر ترجمه شعر ایراد کرده است.^{۱۷}

رو بهمرفته تألیف براون را باید اثری ماندنی و نفیس و سرشار از اطلاعات ارزشمند در همه سطوح تاریخ ادبی ایران دانست. هیچ محققى از خواندن آن بی‌نیاز نیست و دانشجویان این رشته، خواه ایرانی یا غیر ایرانی، کتاب سودمندتر و جامعتر که گزارش فرهنگ و ادبیات ایران را مانند پرده‌های سینما ارائه دهد نخواهند یافت.

ریکا

سی و دو سال پس از انتشار چهارمین جلد کتاب براون، اثری نوین در تاریخ ادبیات ایران به قلم یان ریکا استاد خاورشناسی دانشگاه پراگ به زبان چکسلواکی منتشر گردید، و از آن جا که زبان مزبور رواج جهانی ندارد تحریر مفصلتر آن به آلمانی در ۱۹۵۹، و بار دیگر ترجمه کاملتر و مشروحتر آن به انگلیسی در ۱۹۶۸ به طبع رسید.^{۱۸} در فاصله چهل و دو تا شصت و چهار سال میان کتاب ریکا (تحریر انگلیسی) و آغاز و انجام کار براون، پژوهشهای بسیار دامنه‌دار در زمینه زبان و ادبیات فارسی در بسیاری از کشورها صورت گرفته بود که حاصل آن می‌بایست در گزارش تاریخ ادبیات فارسی ضبط گردد، زبان غالب در این تحقیقات نوین، برخلاف گذشته‌ها، زبان فارسی بود که همه علاقه‌مندان و دانشجویان خارجی این رشته به آسانی آن را نمی‌خواندند و به جمیع منابع

دسترسی نیز نداشتند. ناچار لازم بود که این نقص جبران گردد. به گمان من کاریکا بیش از هر فایده دیگر این خدمت را انجام داد که ذهن غربیان را روشن ساخت و نشان داد که زمانه عوض شده است و دانشمندان ایرانی برای احیای مآثر ادبی خویش جنبشی بزرگ را آغاز کرده‌اند و گذشته از کمیت هنگفت کتب و مقالاتشان، در کیفیت تحقیق و انتقاد نیز چه بسیار که به پای پیشگامان غربی خود رسیده‌اند و دیگر نمی‌توان بدون آگاهی از نوشته‌های آنان کاری اصیل و بی‌عیب انجام داد. البته در مغرب زمین هنوز هستند استادان بزرگی که مشعل دانش را، در همین رشته گسترده ایران‌شناختی نیز، فروزان می‌دارند و دهها تن از ایشان، اگرچه «علامه» شرقی نیستند، در کار خود وارث همان سنتهای آرمانی فرهنگ خویش‌اند و درست‌اندیشی و دانش‌دوستی و ژرف‌نگری و پی‌جویی خستگی‌ناپذیر و بیطرفی مطلق را یکجا دارند و هر ساله آثاری از قلم فضیلت‌بارشان ظاهر می‌شود که سرمشق تتبع علمی‌ست. آنچه در فاصله میان براون و ریکا تبدیل یافت وضع پژوهش و تألیف و انتشار کتاب و مقاله در ایران بود که حتی تا پایان زندگی براون هم شوری و حرکتی در آن پدید نیامده بود و شمار دانشمندانی که دقت علمی را آموخته باشند از شمار انگلستان یک دست نمی‌گذشت، در حالی که در سالهای اخیر حیات علمی کسانی مانند ریکا گروه معتابهی از ایرانیان به کار پژوهش در تاریخ فرهنگ خود پرداخته بودند و دیگر هفته‌ای و ماهی نمی‌گذشت که کتابی نفیس و مقالاتی ارزنده منتشر نکنند. کتاب ریکا بیش از هر تألیف دیگر این واقعیت را برای دانشگاهیان خارجی روشن ساخت. طرح نظریات ایرانیان در متن کتاب و زیرنویسهای بسیار فراوان نشان می‌دهد که ریکا این کتب و مقالات را می‌دیده و می‌خوانده است.

برتری دیگر کار ریکا بر براون اختصاص فصلهای جداگانه بسیار مفید به مباحث زیرین است که بجز یکی در سه صفحه، تماماً از قلم همکاران اوست:

- ۱ - ادبیات ایران در قرن بیستم، از ورا کویچ کووا.^{۱۹}
- ۲ - آثار علمی در زبان فارسی از آغاز تا پایان سده هژدهم، شامل رشته‌های فلسفه، واژه‌شناسی، تاریخ و سرگذشت، جغرافیا، علوم ریاضی، علوم طبیعی، پزشکی و دارو شناسی، و دانشنامه‌ها، از فلیکس تاور.^{۲۰}
- ۳ - ادبیات تاجیک از قرن شانزدهم تا زمان ما، از یری پچکا.^{۲۱}
- ۴ - ادبیات فولکلور ایران، از یری سبیک.^{۲۲}
- ۵ - ادبیات فارسی در هندوستان، از یان مارک.^{۲۳}
- ۶ - طرح ادبیات فارسی یهودیان ایران (که به زبان فارسی‌ست و خط عبری)، از

ریکا. ۲۴

بررسی ادبیات ایران پیش از اسلام موضوع فصل اول کتاب است که به قلم اوتکار کلیما نوشته شده است. ۲۵

مفضل‌ترین کتابشناسی ادبیات فارسی و ضمائم آن باضافه فهرستهای دیگر جمعاً در حدود ۱۸۰ صفحه، این اثر گرانبها را پایان می‌دهد.

با اینهمه در سنجش با اثر براون، کتاب ریکا دارای چند نقص اساسی است. نخست آن که تاریخ سیاسی و وضع دربارها و خصوصیات اخلاقی شاهان و وزیران مشهور و تحولات فکری و مذهبی را تنها گاهی و آن هم کوتاه و اشاره‌وار آورده است. همچنین از افسانه‌ها و جزئیات گوناگون مربوط به سرگذشت بزرگان سیاست و علم و ادب، که کتاب براون را چنان دلپذیر و گویا و آینه‌اندیشه‌ها و تمایلات و تخیلات مردم زمانه کرده بود، در کتاب ریکا نشانی نیست. نقص دیگر که مهم‌تر است این که ریکا بندرت وارد مباحث زیبایی‌شناسی شده است. وی توجه خود را منحصر کرده است به نقل پیشنهادهای پژوهشگران شرقی و غربی، و اگر خود او نظری نهائی و شخصی بر آن افزوده باشد آن نظر غالباً از صبغه سیاسی و بزه‌ای که مؤلف در سی سال پایان زندگانش ناچار از پذیرش آن بود، مبری نیست. در سراسر این کتاب قطور یک رباعی یا غزل یا حتی بیت فارسی برای نمونه نیامده است و خواننده‌ای که اهل فن نباشد بر خوان این اثر بزرگ جز وصف شهد و شکر نخواهد یافت و کامش شیرین نخواهد گشت.

تألیف ریکا را باید مجموعه‌ای سخت فشرده و سنگین از عقاید دانشمندان درباره در و پیکر و شکل و شمایل و طرح بندی و مصالح و حجم و وسعت کاخ ادبیات فارسی دانست که خواننده را از آن چه جان و روان این کالبد تاریخی ست آگاه نمی‌سازد و با آهنگ چکامه‌ها و نغمه سرودها و ترانه‌های گویندگان درون آن آشنا نمی‌سازد. ولی البته برای اهل فن و دانشجویان این رشته کتابی بسیار گرانبها و از نفائس کم‌مانند آثاری است که خاور شناسان تاکنون نوشته‌اند.

باوزانی

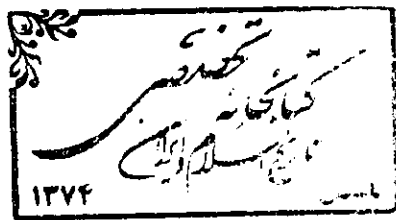
تاریخ ادبیات فارسی که به نام استاد فقید ایتالیائی باوزانی (۱۹۲۱ تا ۱۹۸۸) شهرت یافته است، همانند کتاب ریکا، تألیف یک تن نیست. فصل پیش از اسلام آن را آنتونیو پالیارو، استاد سابق ایران‌شناختی در دانشگاه رم نوشته است و باقی کتاب یعنی تمام تاریخ ادبیات فارسی نوشته ایتاندر و باوزانی است. ۲۶

باوزانی مرد خلّاقی بود که تا سن شصت سالگی، بر طبق فهرستی که در «جشن‌نامه» او در آن سال آورده‌اند،^{۲۷} ۲۴۸ کتاب و مقاله منتشر کرده بود. یکی از بهترین این آثار همین تاریخ ادبیات فارسی است که طرح و برداشتی کاملاً متفاوت با دو کتاب براون و ریپکا دارد. باوزانی مرد نسخه‌شناسی نبود و با موشکافیهای جانکاه کسانی که درگیر طبع و نشر انتقادی متون قدیم هستند و زیرنویس و حواشی و تعلیقات می‌نویسند، انسی نداشت. توجه وی تماماً معطوف دو امر بود یکی اندیشه‌ها و عقاید، و دیگر جنبه‌های زیبایی‌شناسی و جوهر شعر. از این رو حتی به تحقیق در احوال شاعران و نویسندگان هم ابدأ نمی‌پرداخت. وی تا حدی مانند براون شیفته فلسفه‌ها و مذاهب بود و در باب اخوان صفا و سهروردی و مولانا رومی و اقبال لاهوری بیش از حماسه‌سرایان و قصیده‌پردازان قدیم قلم می‌زد و ترجمه می‌کرد. از سوی دیگر در پی کشف راز زیبایی غزل می‌کوشید و مقاله و کتاب می‌نوشت.^{۲۸} ناگفته نماند که در زبان‌دانی، وی اعجوبه‌ای کم نظیر بود که به بیش از سی زبان تسلط داشت. دیگر آن که در سالهای آخر زندگی به ریاضیات و هندسه و نجوم رو آورده بود و مقالات و تحقیقاتی در این رشته‌ها از او منتشر شده است.

کتاب باوزانی در حقیقت «تاریخ» ادبیات فارسی به مفهوم متعارف آن نیست. تحول شعر و نثر فارسی را به ترتیب تاریخی و قرن به قرن شرح نمی‌دهد و اصراری در نقل اسامی جمیع گویندگان و نویسندگان ندارد.^{۲۹} کسی که در جستجوی اطلاعات دقیق راجع به زندگانی چهره‌های بزرگ ادبیات و علاقه‌مند به کاوشهای تاریخی در این عرصه است، از این کتاب سودی برنخواهد گرفت. باوزانی شیوه کار خود را در پیشگفتار کتاب بیان کرده است و می‌نویسد که

کتابهای تاریخ ادبیات فارسی تا امروز همگی تاریخ متون و زبان‌شناسی است و داوری زیبایی‌شناختی خود آثار تا کنون بسیار اندک و سطحی بوده است. در آغاز مؤلفان غربی اشاره‌ای کوتاه به معیارهای زیبایی‌شناختی ادیبان بومی کرده و گذشته‌اند و در پی ایشان چند تن دیگر گرایش بیشتری به دید غربیان نشان داده و معیارهای ذوق و پسند اروپاییان را در نقد شعر فارسی بکار برده‌اند. به گمان من نتیجه این هر دو روش ضعیف بوده است... من کوشیده‌ام که در این کتاب راه میان این دو گروه را طی کنم^{۳۰} (نقل به معنی).

معرفی ادبیات فارسی در این کتاب در هشت فصل انجام گرفته است. سه فصل نخستین در واقع تمهید زمینه و توضیح مقدمات است درباره تاریخ سیاسی ایران از هجوم



تازیان تا حکومت پهلوی (ص ۱۵۷-۲۰۴)، سیر زبان فارسی در هزار سال گذشته (ص ۲۰۵-۲۳۷)، و مباحث فنی از قبیل اوزان شعر و قالبها و انواع و مضامین (ص ۲۳۹-۳۰۵). فصل هشتم کتاب معرفی بسیار موجز ادبیات سده بیستم است و در طی آن از چند نویسنده و شاعر نامدار این زمان یاد شده است (ص ۸۴۷-۸۷۵). جان کتاب فصلهای چهارم تا هفتم است که در آن باوزانی به معرفی شعر غنایی و مدیحه سرایی: قصیده و غزل (ص ۳۰۷-۵۲۶)، رباعی (ص ۵۲۷-۵۷۸)، مثنوی و مثنوی سرایان (ص ۵۷۹-۷۷۷)، و ادبیات منثور (ص ۷۷۹-۸۴۶) پرداخته است. در فصل چهارم که درازترین بخش کتاب است، باوزانی آغاز شعر فارسی و ریشه‌های آن را نشان می‌دهد، از قصیده سرایان بزرگ سخن می‌گوید، انواع مدایح و مرثی و اوصاف طبیعت و اندیشه‌های حکمی و عرفانی و مذهبی را با نقل نمونه‌هایی از شاعران مشهور و توضیح تلمیحات و تضمینها و استعارات و معانی قرآنی بشرح بیان می‌کند، صور خیال بعیدالذهنی را که خواننده غربی رمز پیوندهای فکری و هنری نهفته در آن را آسان در نمی‌یابد، روشن می‌سازد، و همه جا کاربرد صنایع لفظی و معنوی و بهره‌گیری شاعر فارسی زبان را از عناصر کائنات همچون اجرام سماوی و عناصر طبیعی و سنگها و گلها و درختان و جانوران و نیز رموز قصص و افسانه‌های مذهبی و ملی ایرانی و غیر ایرانی را نشان می‌دهد، و سپس به تحلیل غزل و معرفی غزلسرایان پرداخته گفتاری مشبع درباره مولانا و سعدی و حافظ می‌آورد و پیش از شناساندن جامی، عبید زاکانی را که پدیده‌ای بی‌بدیل است معرفی می‌کند، و پس از جامی از سبک هندی سخن گفته این فصل را با بررسی بازگشت ادبی پایان می‌دهد. فصل مربوط به مثنوی سرایان نیز بسیار گسترده و دلکش نوشته شده است و در طی آن باوزانی بتفصیل از فردوسی و فخر گرگانی و نظامی و امیر خسرو و سنائی و عطار و رومی و چند تن دیگر سخن می‌گوید و عیب و هنر آثار هر کدام را از دیدگاه پژوهشگران غربی باز می‌نماید و نمونه‌هایی از بهترین یا دست کم مشهورترین قسمت‌های این آثار را به ترجمه زیبای خویش نقل می‌کند.

اما هیچ کدام از این آثار، اگرچه نیاز دانشجویان را برآورده سازد، نمی‌توان گفت که کامل و جامع است و کل آثار بیکران نظم و نثر فارسی را از آغاز تا کنون در بر گرفته است. هر ساله در درون و بیرون مرزهای ایران آثاری قدیم که قبلاً یا شناخته نبوده یا مفقود به حساب می‌رفته است طبع می‌شود. دانشنامه میسری و هدایة المتعلمین فی الطب و سندباد نامه ظهیری سمرقندی و ترجمان البلاغة و ادویانی و مثنویهای عبدی بیگ شیرازی و

دیوان بدر شروانی و نزهة المجالس و... که جملگی در سالهای پس از جنگ جهانی دوم («کشف» شده و به طبع رسیده است، مؤید این واقعیت است.

۰۰۰

تدوین تاریخ کامل و جامع ادبیات فارسی که سراسر شعر و نثر ادبی این زبان را از آغاز تا کنون و در همه سرزمینها: ایران امروز، هند و پاکستان، افغانستان، تاجیکستان، اوزبکستان و ترکمنستان و... در بر بگیرد، وظیفه‌ای است که از عهده یک نفر ساخته نیست و فقط با همکاری گروهی دانشمند محقق ایرانی و غیر ایرانی و پشتیبانی مالی و اداری دستگاههایی همچون دولت و دانشگاه و فرهنگستان و ناشران بزرگ امکان‌پذیر خواهد بود. و نیز باید توجه داشت که تاریخ ادبیات فارسی هنگامی آینه تمام‌نمای سخن فارسی خواهد بود که پیوسته از لغزشها و کمبودهای گذشته پیراسته گردد و آثار جدید ذوق و اندیشه و آفاق داوریهای هر نسلی را در خود ضبط نماید و به نسلهای آینده بسپرد.

بخش زبانها و تمدنهای خاور نزدیک، دانشگاه شیکاگو

یادداشتها:

- ۱- در این باب به کتب و مقالات فراوان می‌توان رجوع کرد. از جمله، محمد قزوینی: «قدیمترین شعر فارسی»، بیست مقاله قزوینی، طهران ۱۳۳۲، ج ۱/۳۴-۴۵؛ ملک الشعراء بهار: «شعر در ایران»، بهار و ادب فارسی، بکوشش محمد گلین، طهران ۱۳۵۱، ج ۱/۸۸-۱۰۶؛ ذبیح‌الله صفا: تاریخ ادبیات در ایران، تهران ۱۳۵۱، ج ۱/۱۶۳-۱۸۲؛ پرویز ناتل خانلری: وزن شعر فارسی، تهران ۱۳۴۵، ص ۵۶-۶۰.
- ۲- بحث این مطلب را در کتب و مقالات متعدد به فارسی و دیگر زبانها می‌توان خواند. در این جا به تاریخ ادبیات در ایران تألیف استاد دکتر صفا مراجعه می‌دهیم. «علل توسعه ادب عربی»، «روایة و روات»، «علوم لسانی»، «علوم ادبی در قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم»، بترتیب جلد اول، صفحات ۱۲۰، ۱۲۲-۱۲۹ و ۳۵۲-۳۵۵.
- ۳- رک. اشعار پراکنده قدیم‌ترین شعرای زبان فارسی، جلد دوم متن اشعار، بکوشش ژیلبر لارازر. انستیتو ایران و فرانسه، تهران ۱۳۴۱/۱۹۶۲. مجموع ابیاتی که از ۲۱ شاعر قدیم به دست آمده است، برطبق این مجلد ۱۲۱۹ بیت است که ۴۲۱ بیت آن از ابوشکور است و ۳۴۷ بیت از دقیقی (البته هزار بیت شاهنامه در این شمار نیامده است) و فقط ۴۵۱ بیت اثر ۱۹ شاعر دیگر است. رودکی نیز از این حساب بیرون است. در باب رودکی باید به تحقیق معروف سعید نفیسی مراجعه کرد و نیز: عبدالغنی میرزایف، ابو عبدالله رودکی و آثار منظوم رودکی. تحت نظر ی. براگینسکی. استالین آباد ۱۹۵۸.
- ۴- لباب الالباب، بکوشش محمد قزوینی (جلد دوم) و ادوارد براون (جلد یکم). با تصحیحات جدید و حواشی و تعلیقات کامل بکوشش سعید نفیسی، تهران ۱۳۳۵/۱۹۵۶. برای شرح حال محمد عرفی رک. ترجمه مصطفی از محمد قزوینی، بیست تا سی و دو، نیز J. Matini: 'Awfi..., Encyclopaedia Iranica, 3, 117-118.
- ۵- مقدمه محمد قزوینی، ص چهارده (در چاپ نفیسی)؛ سعید نفیسی، آغاز سخن، ص شش (موارد ارجاع به لباب الالباب در این یادداشتها، چاپ نفیسی است).
- ۶- به نقل قزوینی در همان اثر، ص شانزده: غلامعلی خان آزاد در مقدمه کتاب خود موسوم به خزانه عامره (تألیف در ۱۱۷۶/۱۶۶۵) می‌نویسد که «جمع تذکره نویسان متأخر در تحریر احوال شعراء اقدم القدما عیال او بند.»
- ۷- رک. احمد گلچین معانی، تاریخ تذکره‌های فارسی، تهران ۱۳۵۰، ج ۲/۷۳۵-۷۳۸.

۸ - همون: «فهرست الفبایی اسامی تذکره‌ها بترتیب قرن تألیف»، تاریخ تذکره‌های فارسی، ۸۷۱/۲-۹۱۶. باید به یاد داشت که مؤلف گراشی هر اثری را که در آن ذکری از شاعر یا شاعرانی رفته یا نمونه‌هایی از شعر فارسی نقل شده است اگرچه آن کتاب تذکره و تاریخ ادبیات نباشد، در این فهرست آورده است.

۹ - Italo Pizzi: *Storia della Poesia Persiana*, Torino 1984

این کتاب در ۱۹۷۶/۱۳۵۵ بمناسبت پنجاهمین سال سلطنت خاندان پهلوی، زیر نظر دکتر محمد مقدم و مرحوم دکتر مصطفی انصاری در تهران تجدید طبع شد، علاوه بر چهل و نه اثر پر ارزش و نایاب دیگر.

پیتزی کتاب خود را به ۹ فصل تقسیم کرده است و در آنها، پس از فصل مقدمه، بترتیب در هشت فصل از شعر غنائی، شعر عرفانی، سعدی و حافظ، شعر حماسی، مثنویهای عاشقانه، اشعار اخلاقی و اندرز، کجایی، شباهتها و پیوندهای شعر فارسی با شعر قرون میانه ایتالیا سخن رانده است. مؤلف مطالب هر فصل را فشرده و در بندهای شماره‌دار (شعر عرفانی ۱۲۱ بند، شعر غنائی ۱۴۵ بند، شعر حماسی ۱۵۰ بند...) شرح داده و سپس نمونه‌هایی از اشعار هر فصل را ترجمه کرده است.

۱۰ - E. G. Browne, *A Literary History of Persia*, 4 volumes, Cambridge, University Press, 1902-24.

۱۱ - Hermann Ethé, "Neupersische Literatur," in *Grundriss der Iranischen Philologie*, Band 2, Strassburg, pp. 212-368.

۱۲ - شبلی نعمانی، شعرالعجم، ۵ جلد، ۱۹۰۵-۱۹۱۸. ترجمه فارسی بوسیله سید محمد تقی فخر داعی گیلانی میان سالهای ۱۳۱۴ تا ۱۳۳۴ شمسی در تهران منتشر شده است. شرح حال شبلی در مقدمه جلد چهارم و خلاصه احوال او در مجله یادگار، جلد ۵، شماره ۳، ص ۵۱-۵۲ آمده است. دو جلد اول این کتاب پس از انتشار جلد اول کتاب براون به طبع رسید و براون در جلد دوم کتاب خویش آن را معرفی نمود (از سعدی تا جامی، ترجمه علی اصغر حکمت، ص ۱۳۱-۱۳۲)، و از آن پس، از آن بعنوان مرجعی مؤثق در تألیف خویش استفاده کرد.

۱۳ - تاریخ ادبیات فارسی، تألیف میرزا محمد حسین خان فروغی اصفهانی ملقب به ذکاءالملک (متوفی ۱۳۲۵ قمری)، بضمیمه علم بدیع تألیف همو. باهتمام محمد علی فروغی و ابوالحسن فروغی، طهران ۱۳۳۵ ق. (تاریخ تذکره‌های فارسی).

۱۴ - «تاریخ ادبیات زبان فارسی»، از عباس بن محمد علی اقبال آشتیانی است که در ۱۳۳۸ (کذا) خورشیدی بدان می پرداخت و می خواست در سه جلد آن را بنویسد. نسخه ما، جلد نخستین و از زمان کهن است تا ۳۳۱ و در پایان از غضبیری رازی یاد کرده است. نستعلیق با حواشی خود اقبال در ۹۳۷ ص، ۴۹۹ برگ. («فهرست نسخه‌های خطی دانشکده ادبیات»، مجله دانشکده ادبیات [تهران] شماره ۱، سال ۸، ۱۳۳۹، ص ۵۶).

جلال الدین همائی: تاریخ ادبیات ایران از قدیمترین عصر تاریخی تا عصر حاضر، جلد اول و دوم مشتمل بر تاریخ ادبیات ایران از ازمته قدیم تاریخی تا حمله مغول، چاپ دوم، تهران ۱۳۴۰ (باوجود عبارت فوق بر صفحه عنوان کتاب، این هر دو جلد مقدمات تاریخی و ادبی را شرح می دهد و از نخستین شاعران تنها ابوالعباس مروزی، حنظله بادغیسی، ابن وصیف سگزی، و ابو حفص سفدی را شناسانده است).

بدیع الزمان فروزانفر، سخن و سخنوران، چاپ دوم، تهران ۱۳۵۰ ه. ش.

۱۵ - محمد تقی بهار ملک الشعراء، سبک شناسی یا تاریخ تطور نثر فارسی، ۳ جلد، تهران ۱۳۲۱.

سعید نفیسی، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری، ۲ جلد، تهران ۱۳۴۴.

تاریخ ادبیات تألیف دکتر رضازاده شفق که کتابی درسی بود و سالها در دوره دوم دبیرستانهای ایران تدریس می گردید، در شمار کتابهای تحقیقی مورد بحث ما در این مقاله نیست.

۱۶ - تاریخ ادبیات ایران، از فردوسی تا سعدی، ترجمه و حواشی به قلم فتح الله مجتبیائی، تهران ۱۳۴۱، ص ۲۰۶.

۱۷ - همان اثر، ص ۲۰۷ به بعد.

- Jan Rypka: *History of Iranian Literature*. Dordrecht-Holland 1968. - ۱۸
- Vera Kubičková: "Persian Literature of the 20th Century." *Ibid*, 355-418. - ۱۹
- Felix Taver: "Persian Learned Literature from its Beginnings up to End of the 18th-20th Century." *Ibid*. 421-482
- Jiří Bečka: "Tajik Literature from the 16th century to the present." *Ibid*, 485-605. - ۲۱
- Jiří Cejpek: "Iranian Folk-Literature" *Ibid*. - ۲۲
- Jan Marek: "Persian Literature in India", *Ibid*, 713-734. - ۲۳
- Jan Rypka: "An outline of Judeo-Persian Literature." *Ibid*, 737-740. - ۲۴
- Otakar Klima: "Avesta. Ancient Persian Inscriptions. Middle Persian Literature." *Ibid*. - ۲۵
3-65.
- Antonio Pagliaro, Alessandro Bausani: *Storia della Letteratura Persiana*. Milano 1960. - ۲۶
- La Bisaccia dello Sheikh. Omaggio ad Alessandro Bausani Islamista Nel Sessantesimo. Venezia, 29 maggio 1981. pp. 7-16
- ۲۸- نمونه ای از نوشته های او درباره غزل فارسی این مقاله است:
- "The Development of Form in Persian Lyrics". *East and West* (New series Vol.9, No.3, September 1958), pp. 145-153
- ۲۹- تعداد اسامی شاعران و نویسندگان فارسی زبان که ریکا از زندگی و آثارشان، مفصل یا مختصر، یاد کرده است تقریباً به ۲۵۰ می رسد، درحالی که این رقم در کتاب باورانی از حدود ۱۲۰ تا ۱۳۰ تجاوز نمی کند و فقط در مورد اجل مشاهیر ادبیات توجه بیشتری به شرح حالشان شده است.
- ۳۰- *Storia della Letteratura Persiana*, pp. 151-152.